

قسمت دوم

تاریخچه

پخش موسیقی در رادیو

● هوشنگ جاوید

ژورنال علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در این زمان، موسیقی پیش پرده که نوعی موسیقی تفکر نشده است بین قشرهای جامعه رواج یافته بود که انتقادهایی بسیار سطحی را روی ملودیهای جدیدالورود غربی تلفیق و اجرا می کرده اند. قهوه خانه مرکز ترویج موسیقی غلط شده بود، به طوری که قهوه-خانه ای نبود که در آن گرامافون دیده نشود و در ضمن، خارجیها در ایران اجازه اجرای کنسرت یافته بودند و رادیو همه این تهاجمات فرهنگی بیگانه را که با

قرین شادی و سرور نموده، روح را به افکار بلند و خصایل پسندیده رهنمون گشته، برای کار و کوشش بیشتری آماده خواهند ساخت».

اما از همان ابتدا شمار پخش آهنگهای غربی و بیگانه نسبت به موسیقی ایرانی (۲۷۰ در مقابل ۳۰٪ قطعه موسیقی ایرانی) نشان می دهد که فریب خوردگان غرب و دست نشانندگان آنان چه خوابی برای موسیقی و فرهنگ ایرانی، در این رسانه جدید دیده اند.

افتتاح رادیو؛ سال ۱۳۱۹

ساعت ۶ بعدازظهر روز چهارم اردیبهشت ۱۳۱۹ دستگاه پخش صدای ایران با حضور «محمد رضا پهلوی»، که آن زمان ولیعهد بود، به کار می افتد؛ رسانه ای که فقط غریبها و برخی از سیاستمداران دربار در مورد فرهنگ آن اطلاع کافی داشتند. نخست وزیر در سخنرانی خود در روز افتتاح در مورد پخش موسیقی از این رسانه چنین اظهار می دارد: «... نغمات موسیقی ساعات فراغت شنوندگان را

دست خودی صورت می‌گرفت، تکمیل تر نمود.

تصمیم‌گیریهای نادرست و فقدان برنامه‌ریزیهای حساب شده مسئولان، بعد از افتتاح رادیوی یکی یکی رخ نمود و موسیقی ایرانی در این رسانه مورد هجوم و مظلومیت واقع شد. هنرمندان متعهد به فرهنگ ایرانی ابتدا به انحاء مختلف از همکاری با این رسانه جدید و بی‌برنامه و تبلیغی، سرباز زدند و روی خوش نشان ندادند، زیرا می‌دانستند راه‌اندازی این رسانه چیزی جز ترویج فرهنگ غرب نیست به طوری که رئیس موسیقی کشور و کمیسیون پرورش افکار آن زمان، در نامه‌ای که هفت ماه بعد به نخست‌وزیر می‌نویسد به این موضوع اشاره می‌کند.

بی‌برنامگی و لحاظ نکردن مسئله احتیاجات پخش، سبب شد کمیسیون پرورش افکار طی نامه‌ای در تاریخ ۱۳۱۹/۲/۱۰ به رئیس کمیسیون رادیو اعلام می‌کند: «... چنانچه بخواهیم برنامه رادیوی تهران را در درجه اول قرار دهیم و در مدت شش ماه صفحه تکرار نشود، در حدود بیست هزار صفحه حاجت خواهد بود»

این بی‌برنامگی بعد دیگری هم داشت و آن اینکه هنرمندان همگی باید به دلیل نبود امکانات ضبط، اجرای زنده می‌داشتند و از طرفی مسئله رفت و آمد آنها به ایستگاه رادیو مشکل دیگری بود که باید درباره آن فکری جدی می‌شد.

هرچند که ایرانیان و برخی از مسئولان وقت از ماجرای کمک به ورود و جایگزینی فرهنگ بیگانه بی‌اطلاع بودند و در برابر پخش موسیقیهای غربی که بیش از حد استفاده می‌شد، مدام گوشزد می‌کردند. چنانچه «صادق نشأت» سرپرست دبستانهای ایران در عراق در نامه‌ای که برای هیئت مرکزی دبیرخانه سازمان پرورش افکار می‌فرستد و ضمن آن از

صدای بد و پارزیده رادیو ایران شکایت می‌کند، در بخشی از نامه‌اش پخش نامطلوب و نادرست موسیقی غربی را از رادیو ایران، سیاستمدارانه، مورد انتقاد قرار می‌دهد: «... محل هر استاسیونی در امواجی که قبلا مبین و به اطلاع عامه رسیده، مشخص است. با این حال یک

قهوه‌خانه مرکز ترویج

موسیقی غلط شده بود، به-

طوری که قهوه‌خانه‌ای نبود

که در آن گرامافون دیده

نشود و در ضمن، خارجیا در

ایران اجازه اجرای کنسرت

یافته بودند و رادیو همه این

تهاجمات فرهنگی بیگانه را که

بادست خودی صورت

می‌گرفت، تکمیل تر نمود.

علامت میزه دارد که اگر شخص به اول افتتاح استاسیون نرسید و در اواسط آن رادیو را باز کند، می‌فهمد که این استاسیون متعلق به کدام مملکت است، ولی رادیو ایران (تهران) این علامت میزه را ندارد و بایستی مدتها تامل نمود تا معلوم شود این نقطه استاسیون تهران است؛ زیرا غالباً صفحات اروپا می‌زنند (منظورش پخش صفحه است) و عناوین صفحات را هم بالطبع به زبان اروپایی می‌گویند و به این ترتیب ممکن است تصور شود که این استاسیون مربوط به تهران نیست...!!!»

نامه‌ها و گزارشهای مکرر این گونه از هر سو، اعتراضات مردم تهران و شهرستانها و نمایندگان داخل و خارج در مورد تاکید بر هویت ایرانی رسانه رادیو و گوشزد درباره پخش بیش از حد موسیقی غربی،

نخست‌وزیر وقت را بر آن داشت تا تصمیمی جدی درباره پخش موسیقی و استفاده از صفحات گرامافون از رادیو بگیرد؛ هرچند که این تصمیم باید به گونه‌ای باشد که خاطر رضاخان و مبلغان فرهنگ بیگانه در کشور مکدر نشود.

تا این زمان هنرمندانی چون «حسینقلی طاطائی»، «برادران معارفی»، «علی محمد نامداری»، «ابوالحسن صبا» و «حسین تهرانی» به همراه خوانندگانی چون «قمرالملوک وزیری»، «سعادت‌مندی قمی» و «بدیع زاده» موسیقی ایرانی را به طور زنده در رادیو اجرا می‌کردند.

بر کمیسیون رادیو می‌آورد تا اینکه «منصورالممالک» که در پنجم تیر ۱۳۱۹ به جای «متین دفتری» به نخست‌وزیری رسید، در تاریخ ۱۳۱۹/۸/۷ طی نامه‌ای به این کمیسیون می‌نویسد: «... به علاوه به طوری که مذاکره شد، موسیقی غربی را از موسیقی ایرانی باید جدا کرده و دو بخش نموده، قدغن فرمایید اساسنامه را با اصلاحاتی که گفته شد تجدید نظر نموده، بازگشت دهند.»

«مین‌باشیان» در تاریخ ۱۳۱۹/۹/۱۲ برای نخست‌وزیر نامه‌ای را تنظیم می‌کند و طی آن ضمن توضیح درباره اقدامات خود و موفقیت‌هایش، به علت حضور نیافتن استادان سرشناس موسیقی وقت اشاره می‌نماید. در ادامه همین نامه مین‌باشیان اظهار می‌دارد که: «... در خاتمه خاطر عالی را مستحضر می‌دارد که طی نامه شماره ۲۰ به کمیسیون رادیو اطلاع داده شده است که موجبات اضافه نمودن نیم ساعت موسیقی ایرانی به برنامه فعلی از طرف این کمیسیون فراهم گردیده و تقاضا نموده که اگر اعتبار لازم را منظور نموده‌اند، اطلاع دهند تا در اجرای آن اقدام شود. بنابراین در نظر است همین که اعتبار لازم برای این منظور تامین شد، از وجود موسیقی‌انهای



که شایستگی شرکت در رادیو را دارند و تاکنون به واسطه نبودن اعتبار کافی از آنها استفاده نشده و یا حاضر به قبول کار نشده‌اند نیز استفاده شود و تصور می‌رود بدین طریق رضایت خاطر همگی فراهم گردد.»

باتوجه به همه این فشارها، بیشتر

گوشزد و حتی تهدید می‌کردند و مسئولان، به‌ویژه مین‌باشیان، هم از آنها حمایت خوبی می‌کردند چنان‌که مین‌باشیان ضمن نامه‌ای به «حکیمی» از تهدید گروه به‌طور جدی پشتیبانی می‌کنند. او در نامه چنین نوشته: «... به‌طوری‌که مستحضرد، موسیقیدانان بیگانه از آغاز

رضایت به‌سوی رادیو رفته بودند، کم‌کم دلسرد شده، از همکاری با رادیو دست بکشند.

این نامه‌نگاریها و اعتراضات و جلسات متعدد دولت در نهایت منجر به آن می‌شود که نخست‌وزیر- منصور- در نامه شماره ۱۴۴۵ مورخ ۱۳۱۹/۱۲/۱۹ که به دفتر مخصوص رضاخان می‌نویسد، طی جدول منظم و جداگانه‌ای بودجه تولیدات رادیو را هم پیش‌بینی کرده و هزینه‌های موسیقی را در چهار فصل جداگانه (به شرح شعبه موسیقی، موسیقی ایرانی، موسیقی غربی، هزینه‌های خرید، خدمتگزاران جزء و راننده و پاداش سازندگان آهنگ) تعریف و پیشنهاد اعتبار می‌دهد که مورد موافقت قرار می‌گیرد و جنبه دیگر آن که از نتیجه ابراز ناراضیاتی هنرمندان در محافل اجتماعی به انحاء مختلف حاصل گردید، ایجاد دو جریان در

اعتراضات مردم تهران و شهرستانها و نمایندگان داخل و خارج در مورد تاکید بر هویت ایرانی رسانه رادیو و گوشزد درباره پخش بیش از حد موسیقی غربی، نخست‌وزیر وقت را بر آن داشت تا تصمیمی جدی درباره پخش موسیقی و استفاده از صفحات گرامافون از رادیو بگیرد؛ هر چند که این تصمیم باید به گونه‌ای باشد که خاطر رضاخان و مبلغان فرهنگ بیگانه در کشور مکرر نشود.

کار، از میزان پاداشی که برای آنها مقرر شده رضی نبوده و نواختن در رادیو را می‌اضافی و خسته کننده برای خود می‌دانند. ممکن است تأخیر در پرداخت پاداش را بهانه نموده از این کار کناره‌گیری نمایند. بنابراین خواهشمند است در پرداخت پاداش موسیقیدانان بیگانه نیز تسریع نمایند که بعداً اشکال تولید نشود.»

باتوجه به نامه نگاریهای متعدد، در هر حال حقوق و پاداش هنرمندان موسیقی ایرانی و خارجی کج دار و مریز پرداخت شد، ولی باید توجه داشت که هنرمندان غربی سه برابر حقوق و پاداشهای هنرمندان موسیقی ایرانی دریافت می‌کردند. همین برخوردهای ناروا، تأخیر در پرداختها، اختصاص زمان بیشتری در حد سه برابر به پخش موسیقی غربی و احترام خاص به آنان باعث شد تا آن‌عده از هنرمندان ایرانی هم که در ابتدای کار با

موسیقی پخش شده به موسیقیهای غربی اختصاص داشت و موسیقی ایرانی بیشتر به‌صورت زنده از این رادیو در حد یک ساعت در روز پخش می‌شد، آن هم موسیقی که چندان هنری و مطلوب نبود. هنرمندان غربی که به ایران آمده بودند طی این مدت با وعده‌های مین‌باشیان چند کار انجام می‌دادند؛ هم در هنرستان موسیقی تدریس می‌کردند، هم در مدرسه نظام آموزش موسیقی نظامی می‌دادند و هم پخش موسیقی غربی را در رادیو اجرا می‌کردند که رادیو حقوق آنها را که به نام پاداش در نامه‌ها از آن یاد شده به‌طور کج دار و مریز پرداخت می‌کرد. با این که هنرمندان ایرانی دو یا سه ماه حقوق ناچیز خود را دریافت نکرده بودند، اعتراضی هم به این امر نکرده بودند، درحالی‌که هنرمندان غربی تعارف و وعده سرشان نمی‌شد؛ به مجرد آنکه ترتیب دریافت پاداش آنها به تعویق می‌افتاد، موضوع را

مورد به‌کارگیری موسیقی در رادیو و مشخص کردن نوع آن است که طراح و ابداع کننده آن مین‌باشیان است. او در نامه، طرحش را اینگونه بیان می‌کند: «چنان که مسبقاً اند در چندی پیش به منظور تغییر برنامه کنونی رادیو به‌خصوص برای افزودن بخش موسیقی ایرانی آن، همانطور که دستور داده بودند (رضاخان) کمیسیون با حضور جناب آقای حکیمی - معاون کمیسیون رادیو- تشکیل و در نتیجه مذاکرات برنامه نوینی تنظیم گردید و به موجب آن هر شب نیم ساعت و جمعه‌ها یک ساعت و نیم به برنامه موسیقی ایرانی افزوده گردید و برای این قسمت در نظر گرفته شد تا از نوازندگان و خوانندگانی که تاکنون به جبهاتی در رادیو شرکت ننموده‌اند نیز استفاده شود.»

پیشنهاد دیگر او چنین است: «... آهنگهای جدید از قبیل رومبا، والس و ... که با کلامی فارسی توأم باشند، گاهی

اوقات در رادیو خوانده و نواخته شوند...» رضاخان که همه رجال خود را طرفدار انگلیسی می‌پنداشت، یکی از کارهایی که به آن اندیشیده بود، ایجاد تمرکز بود و به همین سبب دستور داده بود تا برای تبلیغات بهتر در جهت منافع آلمان سازمانهای خبری و اطلاع رسانی کشور که تا آن زمان پراکنده بودند، به‌عنوان یک نام و یک سازمان گردآوری شوند تا خودش براخیار و برنامه‌ها کنترل و نظارت داشته باشد. بدین ترتیب سازمانی پدید می‌آید به نام «اداره کل تبلیغات و انتشارات» که ریاست این سازمان برحسب تصویب و امر رضاخان به دکتر «عیسی صدیق» محول گردید. تا این زمان روال کار بدین شکل بود که نوازندگان و خوانندگان موسیقی ایرانی پیش از اجرای برنامه زنده در رادیو، به اداره موسیقی می‌رفتند و زیر نظر ناظر، کار خود را تمرین می‌کردند و سپس به پخش رادیو رفته و اجرای برنامه می‌کردند، تا اینکه به پیشنهاد مین‌باشیان ابتدا «ابراهیم آژنگ» سرپرست تمرینها شد و سپس، «موسی خان معروفی» جایگزین وی شد.

با آمدن عیسی صدیق، «مشیر همایون شهردار» سرپرستی قسمت موسیقی ایرانی را با نظر صدیق به‌عهده می‌گیرد و آژنگ موظف به تشکیل ارکستر ایرانی می‌شود. اما با توجه به اینکه وزیر پست و تلگراف و تلفن، «محمد ابراهیم علم» و مین‌باشیان از مخالفان سرسخت موسیقی ایرانی بودند، شروع به کارشکنی می‌کنند تا اینکه دکتر صدیق چندین جلسه در بخش پرورش افکار با حضور «معمتمدی» و حکیمی-معاون علم- برگزار می‌کند، ولی این جلسات نتیجه نمی‌دهد. به همین سبب او معترضانه و با قدرت به نخست‌وزیر می‌نویسد: «خواهشمند است مقرر فرمایید حدود و وظایف و مسئولیت اختیارات اداره کل انتشارات و تبلیغات را نسبت به کارهای رادیو به طور روشن معین نمایند،

زیرا با وضع کنونی هیچ گونه اقدام و اصلاحی نمی‌توان به عمل آورد و هیچ قسم کار تازه نمی‌توان انجام داد.» «علی منصور» طی نامه‌ای تحکم‌آمیز بیان می‌کند که آنچه دستور است باید اجرا شود و نباید در مسائلی که دیگر به آنها مربوط نیست، اختیارداری کنند. مین‌باشیان به اعتراضات خود علیه اقدامات عیسی صدیق که قصد نظم‌دهی و ایجاد اعتبار برای موسیقی ایرانی در رادیو را داشت، ادامه می‌دهد. در این زمان به دلیل اوضاع

با توجه به همه فشارها، بیشتر موسیقی پخش شده به موسیقیهای غربی اختصاص داشت و موسیقی ایرانی بیشتر به صورت زنده از این رادیو در حد یک ساعت در روز پخش می‌شد، آن هم موسیقی که چندان هنری و مطلوب نبود.

نایسامان جنگ و تاثیراتش بر منطقه و دولت ایران، رضاخان برای آرامش بخشیدن به امور و تفکر خود، کارهای تبلیغی و فرهنگی را به محمدرضا سپرد. در این زمان مین-باشیان که عیسی صدیق را تهدیدی برای خود می‌دانست، نود محمدرضا رفت و شکایت خود را تقدیم کرد. به همین دلیل محمدرضا جلسه‌ای را با منصورالملک برگزار می‌کند و در مورد مسائل رادیو تاذکراتی می‌دهد و می‌خواهد که هم کارهای فنی و تولیدی و هم هزینه‌ها کنترل شوند و در حد لازم صرفه‌جویی شود و دستور می‌دهد که تمامی مسائل موسیقی رادیو تحت نظارت مین‌باشیان صورت

پذیرد. منصور ضمن گفت و گو با مین‌باشیان در نهایت در روز ۱۳۲۷/۳/۱۳۲۷ در نامه‌ای به شماره ۹۹۳۷ انجام یافتن دستورات را به این شرح به دربار توضیح می‌دهد: «... طبق بازجویی که به‌عمل آمد، معلوم شد شکایات اداره موسیقی کشور از این است که اخیراً سه چهار تن هنرپیشگان موسیقی ایرانی بدون موافقت قبلی آن اداره به کار پذیرفته شده‌اند. به همین جهت ترتیب لازم داده شد که کلیه امور مربوط به موسیقی، اعم از موسیقی غربی و شرقی و کلیه مسائل راجع به استخدام کارمندان آن، زیر نظر و با موافقت اداره موسیقی کشور انجام شود.»

اما مشکلات و ناپسامانیهایی اداری دربار به همه جا سرایت کرده بود و این مشکلات، اهالی موسیقی ایران و هنرمندان رادیو را هم در بر گرفته بود. عیسی صدیق تلاش کرد تا بهبود وضعیتی ایجاد نماید؛ از یکسو با «علی‌نصر» تماس می‌گیرد تا نمایش رادیویی راه بیندازد و هفته‌ای یک بار این عمل انجام پذیرد، و از طرفی دیگر تلاش وافری به خرج داد تا برای موسیقی غربی و موسیقی ایرانی تفکیک قائل شده و هر کدام یک سرپرست داشته باشند و به هر نحو که بود «حیب الله شهردار» را به رادیو آورد و پیش از اینکه از این سمت به سمت بالاتری ارتقا پیدا کند، برای اداره کل انتشارات و تبلیغات مکانی را فراهم آورد؛ خانه‌ای قدیمی ساز در یکی از کوچه‌های لاله‌زار اجاره کردند که چند اتاق مخروبه داشت. سه چهار اتاق مخصوص اداره رادیو بود و سه چهار اتاق دیگر مخصوص فروش اجناس متفرقه به کارمندان دولت!!

منابع:

- ۱- سر رید بولارد، (۱۳۶۳)، شترها باید بروند، (ترجمه ح- ابوترابیان).
- ۲- بهنود، مسعود، از سید ضیا تا بختیار. چاپ علمی، نشر جاویدان.

